

بتوارگی طومار

محمد بیات

مارکس در کتاب سرمایه در بخش مربوط به سرشت بتواره ی کالا بیان می دارد که سرشت بتواره ی جهان کالاها از سرشت اجتماعی ویژه کار سرچشمه می گیرد، همان گونه که در وادی مه آلود مذهب آفریده های سر انسان همچون نیروهایی قائم به ذات در برابر او قد علم می کنند.

۱- اتحادیه آزاد کارگران ایران اقدام به جمع آوری امضاء هایی برای تشکیل طوماری در جهت بیان مطالبات کارگران کرده است و امید دارد تا بدین نحو وضعیت معیشتی کارگران را اندکی بهبود ببخشد. طبق گفته دست اندرکاران این اتحادیه اقدام در راستای تشکیل طومار در چند نوبت و تا رسیدن به خواسته هایشان که افزایش دستمزد هاست ادامه خواهد کرد. شرایط بد اقتصادی فعلی، افزایش تحریم ها که در متن طومار بدان اشاره ای نشده و گرانی کالا ها به نظر می رسد رانه ی این اتحادیه برای دست زدن به چنین اقدامی بوده است. طی یک سال اخیر ما شاهد ورشکستگی و تعطیلی و تعدیل کارگران در بسیاری از کارگاه ها، کارخانه ها و سایر محیط های کارگری بوده ایم. پرسش در این جا است که چرا برای مقابله با این وضعیت سیاست تشکیل طومار در پیش گرفته شده است؟

۲- لوکاچ در تاریخ و آگاهی طبقاتی مفهوم آگاهی ممکن را این گونه تعریف می کند: آگاهی یی که با نقش یک طبقه در فرایند تولید انطباق عقلانی دارد و میدان دید اجتماعی طبقه را مشخص می نماید و همچنین این که آگاهی ممکن بیشینه آگاهی ممکن طبقات اجتماعی می باشد. در حقیقت به اعتقاد لوکاچ طبقات در جامعه سرمایه داری معمولاً درک صحیحی از منافع طبقاتی شان ندارند. و اعضای پرولتاریا تا مرحله ی انقلابی ماهیت و گستره ی استثمارشان را در نظام سرمایه داری به خوبی تشخیص نمی دهند. باید برای پرولتاریا نبرد طبقاتی از سطح ضرورت اقتصادی به سطح هدف آگاهانه و آگاهی طبقاتی کارآمد، بالا کشیده شود و در چنین نقطه ای است که سرنگونی نظام سرمایه داری به امری ممکن و قابل دسترسی مبدل می گردد.

روش اتخاذ شده توسط اتحادیه آزاد کارگران در چهار چوبه ضرورت اقتصادی باقی می ماند و تنها این نکته را به آنان گوشزد می کند که باید برای بقای حیات در این راستا گام برداریم. پس نقش آگاهی بخشی طبقاتی حلقه مفقوده این فرایند می باشد. سوال این است چرا اتحادیه تلاش نمی کند از سطح ضرورت اقتصادی فراتر رود؟ آیا مسئله اکنون کارگران واقعا ضرورت افزایش دستمزد است که توسط آنان بیان شده است؟ نمی توان منکر این مسئله شد که در شرایط فعلی مزد کارگران به سختی کفاف بازتولید زندگی خود و خانواده شان را می دهد. با توجه به اینکه در جامعه سرمایه داری همواره حداقل مزد برای بقای خود نظام پرداخت می گردد. اما اتحادیه با نگاهی صوری و شکل گرایانه به سوژه طبقاتی و فرو کاستن آن به یک امضاء به نظر می رسد که حتی نمی تواند مردها را نیز بالا ببرد. چون ما با لشگر

عظیمی از بیکاران در کشور مواجه ایم که خود به خود مزد کار را پایین می آورند. سرمایه دار چنین می گوید اگر خواستار افزایش دستمزد هستید تعداد زیادی جویای کار اند که می توانند وظیفه شما را به انجام رسانند. پس باید هدف اتحادیه از اتخاذ چنین روشی و دمیدن در شرایط بد اقتصادی و رسانه ای کردن آن امر دیگری باشد!؟

۳- توده ای از امضاء ها که فاقد انضمامیت اراده طبقاتی اند در این شرایط همچون قدرتی عظیم آن هم در سطح رسانه ای جلوه می کنند. قدرت عظیم امضاء ها در ماهیت بتواره ی آنهاست چرا که قدرت خود را از جهان کارگران گرفته اند اما همچون نیرویی مستقل جلوه می کنند که می تواند در جهت مقاصد مختلفی مورد بهره برداری قرار گیرد. کارگران نمی توانند از قدرت طومار بهره ای ببرند اولاً طومار مذکور بی بهره از قهر و خشم انقلابی ممکن است. ثانیاً شرایط داخلی و جهانی و معضلاتی که دولت ایران هم اکنون با آن مواجه است قدرت این امر را خنثی می سازد. ثالثاً نیروهای اپوزوسیون اعم از راست و چپ و سرنگونی خواه و سلطنت طلب منتظر چنین فرصتی برای بهره برداری تبلیغاتی هستند. رهبران اتحادیه یا از این مسئله آگاهی ندارند که دمیدن بدین شکل در وضعیت بد معیشتی کارگران ابزاری به دست آنها برای پیگیری مطالبات بحق کارگران نمی دهد و یا آگاهانه دست به عملی در راستای پروژه های سرنگونی خواهانه می زنند که به نظر می رسد شق دوم درست تر باشد. مشکل از آنجایی سرچشمه می گیرد که منش فعلی جریانی در اتحادیه آزاد کارگران ماهیتی ضد کارگری و صوری دارد. عده ای از کارگران و یا فعالین کارگری منفرد از حوزه های مستقل کاری خویش اقدام به تشکیل اتحادیه ای برای فعالیت های کارگری زده اند. مجمعی نامتجانس از افراد و گروه های مختلف با خطوط سیاسی مختلف چگونه می توانند خطی و منسجم و کارگری را پیش ببرند؟ البته در نقد اتحادیه و ماهیت آن بحث و گفتگو های زیادی در چند ساله اخیر در گرفته که در این جا مجال پرداختن به آن نیست و ما تنها به تحلیل اقدام مذکور می پردازیم. در شرایط فعلی فعالیت کارگران و فعالین کارگری در حوزه های کاری خویش و سعی در ایجاد تشکل های مستقل و حوزه ای بهترین امکان و روش برای افزایش بیشینه آگاهی ممکن کارگران است.

۴- برای بهره گیری از امکاناتی که یک مسئله یا امر مشخص در اختیار ما قرار میدهد در درجه اول توجه به قوه و توانایی های ممکن آن امر ضروری است. امکاناتی که تکیه بر شرایط بد اقتصادی در اختیار ما قرار می دهد در این شرایط تنها کوبیدن بر طبل سیاست های فراطبقاتی و سرنگونی خواهانه است. اگر واقعا امر دیگری است و این سیاست در راستای پیگیری هدفی بزرگتر در پیش گرفته شده است ماهیت بتواره ی طومار اجازه چنین فراروی ای را به طبقه کارگر و اتحادیه آزاد کارگران نمی دهد.

عقربه ذهنی جریانات چپ سی ساله بعد از انقلاب همواره بین دو مسئله اتخاذ الگوهای مارکسیستی_ کارگری و سرنگونی خواهی در نوسان بوده است و هر جریان به فراخور افق تاریخی و توانایی اش سعی در ایجاد توازن بین این دو مورد داشته اند. اما در وضعیت افول افق های کارگری فعال و پویا اکثریت جریان های به اصطلاح چپ فعلی به سمت سرنگونی طلبی سوق داده شده اند. خط فعلی اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز در ایجاد این توازن حتی دست به اقدامی حداقلی نیز نزده است و به فرم محض سرنگونی خواهانه اکتفا کرده است. باید که به جد با این سیاست های تجدید نظرطلبانه به مبارزه

برخاست. طبقه کارگر در شرایط فعلی برای دخالت گری موثر در سپهر اجتماعی و سیاسی نیاز به شخصیت بخشیدن به خویش و طبقه خویش، با توسل به حافظه طبقاتی و تاریخی اش دارد چرا که این چنین به اراده ای توانمند برای تغییر شرایط زیست اش دست خواهد یافت. سیاست کارگری ای که پیوند خود را با طبقه اش هیچگاه از بین نمی برد بهتر است که از سیاست های سرنگونی خواهی و یا حتی سعی در ایجاد تعادل با سرنگونی خواهی را نیز کنار گذاشته تا بتواند نقطه عزیمت محکمی برای تغییر جهان اطرافش بیابد.